

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه زابل

مدیریت تحصیلات تکمیلی

پردیس خودگردان

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

## مقایسه آثار مکتوب و غیر مکتوب درباره خاندان رستم

استاد راهنما:

دکتر حیدرعلی دهمرده

استاد مشاور:

دکتر محمد مجوزی

تهیه و تدوین:

جواد اویسی

بهمن ۱۳۹۲

بأسمة تعالی



دانشگاه زابل  
پردیس خودگردان

مدیریت تحصیلات تکمیلی

## صفحه الف

این پایان نامه با عنوان: «مقایسه آثار مکتوب و غیر مکتوب درباره خاندان رستم» قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد توسط دانشجو جواد اویسی تحت راهنمایی استاد پایان نامه دکتر حیدرعلی دهمرده تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه زابل مجاز می باشد.

## امضا دانشجو

این پایان نامه ۴ واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۹ توسط هیئت داوران بررسی و نمره ۱۸/۷۵ و درجه بسیار خوب به آن تعلق گرفت.

تاریخ

امضاء

نام و نام خانوادگی

۱- استاد راهنما: دکتر حیدرعلی دهمرده

۲- استاد مشاور: دکتر محمد مجوزی

۳- استاد داور: دکتر علیرضا محمودی

۴- مدیر گروه: (مهر و امضاء) دکتر احمد سنجولی

۵- نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر محمد نهبانی

بِسْمِ اللَّهِ تَعَالَى



دانشگاه زابل  
پردیس خودگردان

مدیریت تحصیلات تکمیلی

فرم شماره ب

## صورتجلسه امتحان نهایی شامل دفاع از پایان نامه

### مدیریت محترم تحصیلات تکمیلی دانشگاه زابل

باسلام

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند جلسه امتحان نهایی شامل دفاع از پایان نامه آقای جواد اویسی دانشجوی کارشناسی ارشد به شماره دانشجویی ۹۰۶۰۰۴۱۰۷ رشته زبان و ادبیات فارسی تحت عنوان «مقایسه آثار مکتوب و غیر مکتوب درباره خاندان رستم» با حضور اعضای هیئت داوران پایان نامه در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۹ ساعت ۱۰ تشکیل و براساس محتوی و بررسی پایان نامه با نمره ۱۸/۷۵ و با درجه:

■ بسیار خوب (۱۸ - ۱۸/۹۹)

□ عالی نمره (۱۹ - ۲۰)

□ قابل قبول ۱۵/۹۹ - ۱۴

□ خوب ۱۷/۹۹ - ۱۶

□ غیر قابل قبول کمتر از ۱۴

الف) مورد تصویب هیئت داوران قرار گرفت. خواهشمند است اقدامات لازم صورت پذیرد.

ب) به دلایل زیر مورد تصویب قرار نگرفت.

ج) با تصمیمات زیر که مورد تأیید داور داخلی قرار خواهد گرفت نمره فوق به ایشان داده می‌شود.

### محل امضاء هیئت داوران

امضاء

نام و نام خانوادگی

۱- دکتر حیدر علی دهمرده

۲- دکتر محمد مجوزی

۳- دکتر علیرضا محمودی

۴- دکتر محمد نهنانی

نام و امضاء مدیر گروه

نام و امضاء نماینده تحصیلات تکمیلی

دکتر احمد سنجولی

دکتر محمد نهنانی

خالق بی همتا، که خاک را جان بخشید تا آئینه دار طلعت زیبای او باشد و به خاک زبان کرامت فرمود تا زیبایی و جمال او را وصف کند و به خاک چشم عنایت فرمود تا همیشه منتظر دیدار جمال آرای او باشد و دل بخشید به خاک بی مقدار و آن را کان دُرّ بی همتای محبت خویش کرد؛ دلی به قدر حبه ای و به گنجایش جهانی پاک و بی آلایش و بدون زنگار که هر طرفش نظر کنی بجز بذر محبت و عشق پروردگار در او نبینی جایگاهی که فقط تختگاه یک معبود است و بس و در او محبت یک تن است و بس و آن ایزد جهان آفرین است:

به یک شرط می توانی بدان دل راه یابی که:

دلی بیار و به میخانه عاشقانه درآی                      بگو که شیشه فروشم بدین بهانه درآی

چون به این مقام قدم بگذاری جز معبود کس نبینی و به هر چه نظر کنی خدا بینی و بس:

درو دیوار من آینه شد از شدت شوق                      هر کجا می نگرم روی ترا می بینم

تقدیم به پدر و مادر بزرگوار و مهربانم که بار سفر بسته اند و به عالم حقیقی قدم گذاشته اند و همسر عزیزم و سه شاخه گلم، سیندخت، مهشید و مهرناز و پسرم سیاووش که آرزومندم با فردوسی تربیتش کنم تا ورد زبانش باشد که:

به نام خداوند جان و خرد                      کزین برتر اندیشه برنگذرد

نخست آفرین کرد بر دادگر                      کزو دید پیدا به گیتی هنر

خرد داد و گردان سپهر آفرید                      درشتی و تندی و مهر آفرید

به نیک و به بد دادمان دستگاه                      خداوند گردنده خورشید و ماه

فردوسی، ۱۹۶۷، ج ۱، ص ۱۳

## تقدیر و تشکر

نخست از جهان آفرین یاد کن      پرستش بر این کار بنیاد کن

ز یزدان سپاس و بدویم پناه      که او داد پیروزی و دستگاه

کزویست گردون گردان به پای      هم اویست بر نیک و بد رهنمای

فردوسی، ۱۹۶۷، ج ۷، ۱۱۴

سپاس خالصانه خود را تقدیم می دارم به روح مینوی پدر و مادر سفر کرده ام که در حیات خویش کانونی گرم در خانواده به وجود آوردند و ما را با آرامش و محبت تربیت نموده و پروانه وار شمع وجود ما را پاسبانی کرده تا مبادا باد مخالفی بوزد و ما را از هدف اصلی که همانا کمال و معرفت است باز دارد و ما را با قلم و دفتر به راه دانش و علم و معرفت رهنمونی فرمودند و پروانه وار سوختند و به مینو خرامیدند. خداوند همه را بیامرزد! از همسرم تشکر ویژه دارم که در راه معرفت و کمال از هیچ بزرگواری دریغ نکردند و مرا به حال خود واگذاشتند تا به کسب علم و معرفت کوشا باشم.

درین راه همسفرانی همت خود را بدرقه راهم نمودند تا به هدف برسیم به خصوص جناب آقای دکتر حیدرعلی دهمرده که هدایت و راهنمایی ایشان، چراغ راهم درین مسیر تاریک بود که از ایشان تشکر و قدر دانی می شود که اگر رهنمونی ایشان نمی بود در این راه حیران و سرگردان می شدم و به هدف نمی رسیدم. بزرگواری ایشان هرگز از یادم نخواهد رفت.

تقدیر و تشکر خالصانه ای از جناب آقای دکتر محمد مجوزی دارم که با حوصله نوشته های سراپا اشتباه مرا خوانده و راهنمایی می فرمودند و همچنین از استادان محترم که در دو سال کارشناسی ارشد مساعدت نموده و از آنها علم آموخته ام تشکر می نمایم. جناب آقای دکتر احمد سنچولی، جناب آقای دکتر محمد میر، جناب آقای دکتر محمودی، جناب آقای دکتر حبیب الله مشهدی، جناب آقای دکتر احمد چناری و جناب آقای دکتر عبدالحمید احمدی، که خداوند همه را حفظ و از ناز طبیبان در امان بدارد!

در پایان شایسته است از دوستان گرانقدر و هم کلاسی، آقایان احمد سرگزی، علی رضا بارانی پور اصل، پرویز کیخایی مقدم، ابراهیم سراوانی، حسن گلی، امین رضایی فر، ابوالفضل شهرکی، مهدی سراجی و خانم ها صانعی، میری بنجار، خسروی، بزی، داوودی، بزی، رخشانی، سرابندی، کیخا وزرین کوب دیگر عزیزانی که در طی این مسیر یاریگر و بدون راهنمایی ایشان این دفتر به فرجام نمی رسید تشکر و قدردانی نمایم.

جز از نیک نامی و فرهنگ و داد      ز رفتار گیتی مگیرید یاد

(۴۶/۱۸۴/۶)

جواد اویسی - شهریور ۱۳۹۲

## چکیده

درین جستار به بررسی و مقایسه آثار حماسی که در قرن پنجم هجری و در قرون بعد به نظم درآمد می پردازد. این قرن آغاز شکل گیری مکتبی است که بعد از ساسانیان مردم ایران به فکر افتادند، تا اعمال و کردار پادشاهان و پهلوانان و به طور کلی همه آنچه را بر مردم فلات ایران افتاده به صورت منثور و منظوم به نسل های بعد منتقل کنند. همه این آثار چه منظوم و چه منثور بر محوریت خاندان رستم شکل گرفته است. این مکتب حماسی ابتدا در مرو و پس از آن در فرهنگ شهر طوس تشکیل شد و آثاری به جامعه ی ایران آن روزگاران تقدیم نمود و همه فارسی زبانان را از خواب چهارصد ساله بیدار کرد.

حماسه هایی که درین قرن و قرون بعد پدیدار شد عبارتند از: شاهنامه ی گرشاسپنامه، فرامرنامه، برزنامه، جهانگیرنامه، بانوگشسپ نامه، سوسن نامه، کک کهزاد، بهمن نامه، آذربرزین نامه، شهریار نامه و سام نامه ...

موضوع جستار ما همین منظومه هاست که معرفی می شوند و ابیاتی برای نمونه آورده می شود، زمان سرایش منظومه، چه کسی آن را سروده، چند بیت دارد، در چه سالی سروده شده و در کجا پایان یافته و به چه کسی تقدیم شده است بدین دفتر اضافه و از قلم نیفتاده که هدف این وجیزه می باشد؛ آنگاه آنچه در سینه مردم سیستان درباره شخصیت این منظومه ها است بدان الحاق شده و همچنین نشان داده می شود که آیا موضوع منظومه با روایت شفاهی امروز مردم سیستان همانند است یا اختلاف دارد.

درین منظومه ها مکان هایی آمده که امروز در سیستان می شناسند مانند: دشت خرگاه در داستان کک کهزاد که امروز به آن دشت خوابگاه (خوگه) می گویند و همچنین قلعه «مرباد» محل زندگی کک کهزاد که بر کوه خواجه منطبق است.

همچنین مشخص می شود که سرایندگان منظومه های یاد شده، همه منظومه خود را به تبع فردوسی سروده و همه ریزه خوار خوان گسترده فردوسی بوده اند. که گاه مضمون ها و ترکیب ها و همچنین مصراع و بیتی را عیناً از فردوسی نقل کرده اند. در پایان چند اثر منثور که با سیستان ارتباط دارند معرفی می شوند. کتاب پیکار (بیگار = کار سخت امروز در سیستان کاربرد دارد. بیگاری)، کتاب سکیسران و رستم و اسفندیار. مآخذ این تحقیق، شفاهی، مصاحبه میدانی و کتابخانه ای است که یکصد سال قبل درباره سیستان نوشته شده است.

**واژگان کلیدی:** سیستان، رستم، گرشاسپ، فردوسی و فرامر نامه.

## فهرست مطالب

عنوان ..... صفحه

### فصل اول: مقدمه و کلیات تحقیق

- ۱-۱- مقدمه ..... ۲
- ۲-۱- طرح و بیان مسأله تحقیق ..... ۷
- ۳-۱- اهداف تحقیق ..... ۷
- ۴-۱- سؤالات تحقیق ..... ۷
- ۵-۱- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق ..... ۸
- ۶-۱- فرضیات تحقیق ..... ۹
- ۷-۱- پیشینه ی تحقیق ..... ۹

### فصل دوم: مقایسه آثار مکتوب و غیر مکتوب درباره خاندان رستم

- ۱-۲- فردوسی ..... ۱۳
- ۲-۲- سام نامه ..... ۲۷
- ۳-۲- آذر برزین نامه ..... ۳۳
- ۴-۲- سوسن نامه ..... ۳۷
- ۵-۲- داستان کک کهزاد ..... ۴۹
- روایت مردم سیستان از کک کهزاد و رستم ..... ۵۰
- ۶-۲- گرشاسپنامه ..... ۶۰
- ۷-۲- برزو نامه ..... ۶۸
- ۸-۲- شهریارنامه ..... ۷۹
- ۹-۲- جهانگیرنامه ..... ۸۵
- ۱۰-۲- کوش نامه ..... ۹۸



- ۱۰۱..... ۱۱-۲- بانو گشسپ نامه
- ۱۱۱..... ۱۲-۲- فرامرز نامه
- ۱۲۷..... ۱۳-۲- بهمن نامه
- ۱۳۱..... «کتاب سکیسران»
- ۱۳۳..... «کتاب پیکار»
- ۱۳۴..... «کتاب رستم و اسفندیار»
- ۱۳۶..... مقایسه روایات مکتوب و غیر مکتوب درباره ی خاندان رستم
- ۱۳۷..... نتیجه گیری و پیشنهادات
- ۱۴۰..... منابع و مآخذ

## فصل اول:

مقدمه و کلیات تحقیق

ازین نامداران و گردنکشان  
 که دادم یکایک از ایشان نشان  
 همه مرده از روزگار دراز  
 شد از گفت من نامشان زنده باز  
 چو عیسی من این مردگان را تمام  
 سراسر همه زنده کردم به نام  
 (فردوسی، ۱۹۶۷: ۱۷۴/۳)

#### ۱-۱- مقدمه

روایات ملی ایران یا قوم آریا پس از هفتاد قرن - گذشته بر او سالیان شش هزار - در شاهنامه بی زوال، حکیم توس، متجلی شده و این کتاب آئینه دار آرمانها و آرزوهای ملی قوم ایرانی در طول تاریخ چند هزار ساله است. از یاد نبریم که تمام این قصص بر پایه مفاخره و رجز بوده است و هر چه زمان گذشته بشر دانسته که دانایی و خرد برتر از مفاخره و خود ستایی است بهتر است خرد و راستی و داد و دهش و عدالت خواهی را درین روایات بگنجاند که حاصل این خردورزی و داد و دهش در فردوسی حکیم توس به خوبی دیده می شود. اساس و پایه همه اسطوره ها و حماسه ها بر پایه خودستایی و مفاخره بشر بنیان نهاده شده و همواره با پند و اندرز هم شانه است و برتری بر قوای طبیعت و یا برتری بر همنوع و یا برتری بر دیگر موجودات است. با یک اختلاف مهم و آن اینکه از موجودات بدون خونریزی ولی از بشر همراه با خونریزی پدرکشی، پسر کشی و برادرکشی بوده و چه انسانهای شریفی که درین راه سرخویش را به باد نداده اند:

اگر خون آن کشتگان راز خاک      به ژرفی برد رأی یزدان پاک

همانا که دریای قلزم شود      دو لشکر به خون اندرو گم شود

فردوسی، ۱۹۶۷: ۲۶/۳

چون جوامع بشری به کمال رسید پند و اندرز و انسان دوستی راهی درین روایات برایش باز کرد و انسانها را به کمال رسانید. و روایات این ارزش را یافت تا جمع آوری شوند و شکل ملی پیدا

کنند. ریشه کردن هر حماسه و اسطوره از باریکترین مباحث ادبی است که تحقیق در آن، در عین حال به سبب دلائلی که در طبیعت حماسه ها نهفته است بسی دشوار است. ما در این جا از حماسه واقعی سخن می گوئیم که سرا پا تاریخی و ملی است و تاریخ ملتی را از قدیمترین عهد باز نموده که ملت آن را سینه به سینه نقل کرده است. همه ملت ها ازین نوع روایات و داستانها داشته اند، زیرا هیچ ملتی نمی تواند بی گذر از دورانهای بلاخیز و پهلوان منشی، و بی آوردن بزرگمردانی به وهم و گمان جولان و هیجان بخشند تا شکل پیدا کند. ملت خاطره اینها را نگاه می دارد و به طور غریزی به شکلی شاعرانه در می آورد که با تار و پود حقیقت و افسانه بافته شده است (مول، ۱۳۶۹: ۱).

بارها پیش آمده که شاعری منظومه ای را ابداع کرده بی آنکه روایتهای کهن ملی را پایه قرار دهد ولی ملت همیشه در این گونه موردها منظومه را پس زده است. بسا که شیوایی بیان و بلندی مقصود این چنین منظومه ها را در چشم اهل ادب و مکتب ها ارجدار کرده است ولی این کافی نیست تا منظومه ملی شود. سنگ محک هر منظومه همین است هر گاه اثری در نزد ملتی مقبول افتد و در میدان عمومی سرانیده شود، می توان اطمینان کرد که بر روایت های حقیقی مبتنی بوده است و آنچه را از توده مردم گرفته، تنها به شکل کامل تر باز پس داده است.

اینکه ایرانیان در داستانهای حماسی و باستانی از بیشتر ملت ها غنی ترند جای شگفتی نیست از یک سو دامنه ی جهانگشایی و نشیب و فراز امپراتوری و پیوستگی جنگها و شکوه بناهایی که پادشاهان قدیم برپا داشته اند در خاطره ها آثار چندی باقی گذاشته است و از سوی دیگر نیروی تخیل ملت ایران همواره تشنه ی کارهای شگفت آور بوده است (مول، ۱۳۶۹: ۳۰/۱).

همین عوامل و زیادی مردان بزرگ و تاریخ ساز بوده که آثاری خلق شده که پس از هزاران سال جهانیان را به شگفت وا داشته است. این روایت ها در سراسر فلات ایران از سند گرفته تا انطاکیه و از اوش (شهری در قزاقستان) گرفته تا یمن پراکنده بوده و از سینه به سینه ای منتقل

می شده است. در زمان ساسانیان اولین شهریاری که اقدام به جمع آوری روایات سینه به سینه ی در فلات ایران کرد خسروانوشیروان (۵۳۰-۵۷۹ میلادی) بود که به مرزبانان دستور داد تا روایات منطقه و ایالت خود را تدوین و به تیسفون بفرستند. این روایات به تیسفون رسید و در خزائن شهریار انباشته گشت و آنها را همچون کاغذ زر محترم می داشتند. پس از او یزدگرد سوم همین دستور را به ایالات داد تا روایات تازه ای را دوباره به تیسفون بفرستند و چون همه از ایالات رسید دستور داد تا فرخان و رامین که از دانشی مردان و موبدان تیسفون بودند آنها را تدوین و به صورت کتابی درآوردند و نامش را «خدای نامه یا خوتای نامک» گذاشتند (مول، ۱۳۶۹: ۴۶/۱).

این کتاب در سال ۱۷ هجری بدست سپاه عرب افتاد بنابر روایت نورالله شوشتری در مجالس المؤمنین: «پس از تقسیم غنائم تیسفون این کتاب سهم مردم حبشه شد سربازان آن را بر ملک حبشه به عنوان تحفه بردند ملک دستور داد تا آن را به زبان مردم حبشه (اتیوپی) ترجمه کردند ملک حبشه با آن کتاب انسی تمام گرفت و پس از آن این کتاب به دکن هندوستان برده شد و حدود دویست سال در هندوستان و حبشه این کتاب دست به دست می شد تا اینکه در سال ۲۵۶ هجری یعقوب لیث پس از استقلال نسبی ایران دستور داد تا این کتاب را از هندوستان آوردند و به فارسی دری ترجمه و از آن نسخه ها برداشتند». (شوشتری، ۱۳۵۲: ۴۲۷/۱).

در آن زمان بخش مهمی از ایران در سیطره ی عرب و ایرانیان عرب مآب بود و زبان فارسی دری رو به فنا و فراموشی می رفت.

حتی یعقوب لیث هم که از سیستان کانون زبان و ادب و مذهب قدیم پارسی خروج کرد و حوزه سلطنت ایرانی را تشکیل داد شعرا او را به عربی مدح گفتند، بدین جهت که به نوشته ی تاریخ سیستان «چون عجم بر کنده شد و عرب آمدند شعر میان ایشان به تازی بود و همگان را علم و معرفت شعر تازی بود» (تاریخ سیستان، ۱۳۸۶: ۲۱۰). اما چون یعقوب لیث از سواد بهره ای نداشت او را به زبان تازی مدح گفتند. گفت: چیزی که من اندر نیابم چرا باید گفت و این تحولی

عظیم در زنده کردن زبان پارسی بود و محمد بن وصیف شعر پارسی سرود و اول شعر پارسی در عجم او گفت و پیش از او کس نگفته بود. و کار زبان پارسی به آنجا رسیده بود که در قلمرو عرب و عربی مآبان آن را زبان کفر و الحاد گبرکی می خواندند و برای جواز ترجمه و نوشتن تفسیر قرآن مجید به فارسی که مبادا شبهة الحاد و ارتداد داشته باشد ناچار بودند که از فقها و مفتیان وقت اجازه بگیرند و تا فتوا نمی دادند و نمی گفتند کسی اقدام به ترجمه نمی کرد (مختاری، ۱۳۸۲: ۷۵۷).

جمع آوری روایات و قصص ملی ایران دوران بسیار سختی را پشت سر گذاشته، بخصوص در دورانی که حکیم توس اولین جرقه ی منظوم کردن این روایات را زد و نظم فردوسی را به نام نامی خود ابدی کرد. پس از او شعرا و گویندگان فارسی هر که دست به کار نظم قصص و روایات و داستانهای ملی و حماسی زد همه از او پیروی کرده و ریزه خوار خوان و مسخر زبان و بیان او بوده اند. چنانکه اغلب مضامین و گاه مصراع و بیتی را عیناً در منظومه ی خود آورده و اقتباس کرده اند. و به قول صاحب «مجمل التواریخ و القصص» تألیف ۵۲۰ هجری «فردوسی فردوسی اصلی است و کتابهای دیگر که دیگر حکما نظم کرده اند، چون گرشاسف نامه، فرامرز نامه و اخبار بهمن و قصه کوش پیل دندان همه از شعبه های آن اصل (فردوسی) است (مجمل التواریخ، ۱۳۸۳: ۲). همه ی این منظومه ها که بعد از فردوسی سروده شده، بر وزن و اسلوب فردوسی ساخته و پرداخته شده است.

اسدی توسی، فردوسی را به روانی و شیوایی سخن ستوده و افتخار دارد که همشهری حکیم توس است و یادآوری می کند که فردوسی از آوردن داستان گرشاسپ چشم پوشیده و همچنین نظامی گنجوی هم آورده که حکیم توس بعضی داستانها را نشنیده گرفته است:

پس آنکه گشادند بند سخن	... ز هر گونه رای بی فکندند بن
بدادست داد سخن های نغز	که فردوسی طوسی پاک مغز

بدان نام نام نکو خواستست  
(اسدی، ۱۳۱۷: ۲۷)

به شهنامه گیتی بیاراستست

و یا:

که از پیش گویندگان برد گوی

به شهنامه فردوسی نغز گوی

ازین داستان (گرشاسپ) یاد ناورده بود

بسی یاد رزم یلان کرده بود

(طوسی، ۱۳۱۷: ۱۹)

اگر حکیم توس همه داستانهای حماسی و اسطوره ای را به نظم می کشید و در فردوسی می آورد راه را بر حماسه سرایان بعدی می بست و حکیم از بیشتر روایات ملی چشم پوشیده و یا به قول نظامی، میل و علاقه ای به سرایش آنها نداشت:

که آراست روی سخن چون عروس

سخنگوی پیشینه دانای طوس

بسی گفتنی های ناگفته ماند

در آن نامه کان گوهر سفته راند

بگفتی دراز آمدی داستان

اگر هر چه بشنیدی از باستان

همان گفت کز وی گریزش نبود

نگفت آنچه رغبت پذیرش نبود

که حلوا به تنها نشایست خورد

دگر از پی دوستان زله کرد

(به نقل صفا، ۱۳۶۹: ۴۱۶)

حال ما آن داستانهایی را که حکیم توس از آنها چشم پوشیده و شاعران بعد آنها را به نظم درآورده اند را معرفی و با روایاتی که امروز در سیستان مانده و با آن منظومه ها ارتباط دارند با هم پیوند می دهیم، لازم به یاد آوری است که اکثر ارجاعات این دفتر به شاهنامه چاپ مسکو (۹ جلدی) است که به ترتیب از راست به چپ شماره جلد و صفحه می باشد.

### ۲-۱- طرح و بیان مسأله تحقیق

تحقیقات زیادی در قرن گذشته و حاضر درباره اسطوره و روایات ملی در خارج و داخل ایران صورت گرفته که همه بر محوریت فردوسی انجام شده و کمتر به آثار حماسی بعد از فردوسی توجه شده است و ضرورت دارد تا آن آثار جمع آوری و به آنهایی که در پی پیدا کردن و تفسیر مطالب آن آثار هستند ازین طریق کمک کرد و آنها را در مجموعه ای به نام «مقایسه ی آثار مکتوب و غیر مکتوب درباره ی خاندان رستم» که موضوع اصلی تحقیق می باشد معرفی کرد که به این موضوع کمتر توجه شده و یا اصلاً توجهی نشده، حال آنکه بخش مهم و ارزشمندی از روایات ملی ایران در این آثار آمده که می توان آنها را تجزیه تحلیل و معرفی کرد و با افسانه های شفاهی مردم سیستان پیوند داد. لازم است این آثار را که همه به تبع فردوسی سروده شده را در یک دفتر گردآوری و مورد نقد و بررسی قرار داد و آنچه مردم سیستان در سینه ها از گذشتگان دارند به این آثار افزود و آنها را از خطر نابودی حفظ کرد و اثری ارزشمند برای آیندگان به یادگار گذاشت.

### ۳-۱- اهداف تحقیق

- ۱- بررسی آثار مکتوب و غیر مکتوب حماسی و یافتن ریشه و پیوند آنها
- ۲- معرفی حماسه های غیر مکتوب که به صورت شفاهی هنوز در منطقه ی سیستان بزرگ زنده است و مکتوب با هدف ماندگاری انجام می شود.

### ۴-۱- سؤالات تحقیق

- ۱- آیا می توان ارتباطی بین تمام حماسه های نوشته شده در مورد خاندان رستم پیدا و جمع آوری کرد؟



۲- آیا کلیه ی حماسه های منطقه سیستان به صورت مکتوب درآمده یا برخی به صورت شفاهی سینه به سینه به نسل حاضر منتقل گردیده است؟

### ۱-۵- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

در مورد «مقایسه آثار مکتوب و غیر مکتوب درباره خاندان رستم» تحقیق مستقلی انجام نگرفته است و اگر این کار به طور مستقل انجام شود کار محققان آینده آسان خواهد شد که تحقیق کننده با مراجعه به این اثر، نیازی به جستجوی همه آثار حماسی ندارد و با مراجعه به این کار مطلب مورد نظر را به آسانی بدست می آورد.

کسانی که تا حدودی درین باره کار کرده اند عبارتند: از ذبیح الله صفا در کتاب حماسه سرایی در ایران در سال ۱۳۶۹ بعضی از آثار حماسی خاندان رستم را شرح و بررسی کرده با یک تفاوت و آن این که اکثر منابعی که او معرفی کرده، در آن زمان چاپ نشده بود و نسخه خطی آنها در کتابخانه های اروپا و آمریکا مضبوط بود، ولی امروز همه آن آثار مورد بحث چاپ و میدان برای محقق امروزی فراخ است. کریستین سن ۱۳۵۰ کتاب کیانیان را چاپ کرد و در این اثر چند اثر حماسی دوره ساسانی معرفی شده که امروز در دست نیست؛ مانند: کتاب سکیسران، کتاب پیکار و کتاب رستم و اسفندیار که مطالب همه این آثار منثور در مورد سیستان و قهرمانان این سرزمین است و دیگر ژول مول فرانسوی شاهنامه را در ۸ جلد منتشر کرده و در دیباچه ی آن آثاری از حماسه های مورد نظر این دفتر را معرفی کرده و شرح و بسط داده ولی منابعی که مول از آنها استفاده کرده دست اول نبوده است و دکتر صفا و کریستین سن نظر مول را درباره زوایای فردوسی رد کرده اند (صفا، ۱۳۶۹: ۴۱۹) درین دیباچه مول به حماسه هایی همچون بهمن نامه، جهانگیر نامه، بانو گشسپ نامه و سام نامه اشاره کرده است.

پس ضرورت دارد که این آثار به خوبی معرفی و مورد نقد و بررسی قرار گیرند.

### ۱-۶- فرضیات تحقیق

- ۱- حماسه های مکتوب برگرفته از روایات شفاهی منطقه ی شرق ایران بخصوص سیستان بزرگ می باشد.
- ۲- برخی از حماسه های سکایی شرق ایران به رشته کتابت در نیامده و به صورت شفاهی هنوز در سیستان زنده است.

### ۱-۷- پیشینه ی تحقیق

- با مطالعه و کنکاش در آثاری علمی پژوهشی که درباره حماسه و پیشینه ی آنها کار شده است به این نتیجه رسیدیم که آثاری درین باره چاپ و منتشر شده است.
- مطالعات مشابه صورت گرفته در ایران و خارج:

ذبیح الله صفا (۱۳۶۹) در حماسه سرایی مطالب این کتاب بدین صورت منظم گشته که در نخستین گفتار کتاب از تکوین حماسه و روایات و افکار حماسی در ایران و تدوین آنها از قدیمترین ایام تاریخی سخن گفته است. این گفتار به سه فصل منقسم می شود: فصل اول در تکوین روایات ملی و حماسی. فصل دوم در تدوین روایات و داستانها از قدیمترین ایام تاریخی تا ظهور ادبیات فارسی. فصل سوم در تدوین روایات ملی به زبان فارسی.

در گفتار دوم از آثار حماسی پیش از اسلام یعنی یشتها و یادگار زریران و کارنامه اردشیر بابکان سخن رفته و در ادامه و جوه قرابت یادگار زریران با گشتاسپ نامه دقیقی و کارنامه اردشیر بابکان با داستان اردشیر در فردوسی، سعی شده است.

موضوع گفتار سوم تحقیق در منظومه های حماسی ایران در عهد اسلامی یعنی مهمترین ادوار حماسه سرایی در ایران است. در این باب پس از تحقیق اوضاع اجتماعی ایران بعد از غلبه عرب و تسلط ترکان و ارتباط آن اوضاع با ظهور حماسه های ملی و دینی و تاریخی، سه فصل بزرگ به

عناوین حماسه های ملی، حماسه های تاریخی و حماسه های دینی آمده و نزدیک به تمام آثار حماسی ایران از انواع سه گانه مذکور شروع افتاده است ...

ژول، مول (۱۳۶۹) در زبان فرانسه مهمترین تحقیق که در باب فردوسی و حماسه های بعد از او انجام شده تحقیقات فاضلانه و مفصل ژول مول فرانسوی است که پیش از تحقیقات محققان اخیر آلمان مفصل ترین تحقیقات راجع به فردوسی و حماسه های بعد از او شمرده می شود و در شرح احوال فردوسی و تحقیق در داستانهای حماسی چون گرشاسپنامه، بهمن نامه، فرامرز نامه، برزونامه و شهریار نامه ... همه را بدقت مطالعه و نقد نمود منتهی چون در بعضی موارد از منابع فارسی که دور از خطا و لغزش نیست پیروی کرده دچار اشتباهاتی شده است. اما تحقیقات او در باب حماسه های بعد از فردوسی هنوز تازگی دارد و در شمار تحقیقات خوب اروپائیان در باب آثار ادبی ایران است. ژول مول نخستین محقق است که پیروی فردوسی را از مآخذ کتبی و شفاهی ثابت کرده است و این عقیده او بعدها بر اثر تحقیقات نلدکه و بعضی از محققان دیگر کاملاً تایید شد.

آرتور کریستین سن (۱۳۶۸) این استاد بزرگ در چند رشته از مسائل راجع به ایران اطلاع کافی داشت. مانند: داستانها و روایات ملی ایران، تاریخ و ادبیات روستایی، ادبیات پهلوی، لهجه های جدید ایرانی، فرهنگ توده ی ایرانی، تاریخ و تمدن دوره ی ساسانی، ادبیات عربی و فارسی. از زبانهای اروپایی نیز غیر از زبان مادری خود، آلمانی، فرانسه و انگلیسی را به نیکی می دانست و به هر یک از آنها چند مقاله و کتاب نوشت. آخرین اثر معتبر او کتاب کیانیان به ترجمه دکتر ذبیح الله صفا است. مؤلف فاضل در این کتاب به تحقیق داستان کیانیان در روایات دینی و روایات ملی و تشخیص اینکه هر یک از اجزای داستان متداول کیانیان از کدامیک ازین دو مآخذ یعنی اوستا و یشت ها اقتباس شده، مبادرت جسته است. هنگام بحث درباره جانشینان بهمن کیفیت اختلاط روایات ملی را درباره کیانیان و بعضی از شاهان هخامنشی به خوبی نشان داده است. بحث در داستان خاندان گرشاسپ با خاندان پهلوانی سیستان و همچنین تحقیق درباره

جاویدانان بنابر منابع پهلوی نیز در این کتاب به مناسبت پیش آمده و هر دو شایسته ی توجه فراوان ست.